قبل از نسخه نوشتن برای جامعه ایرانی به این ۱۰ بند فکر کنید

مصطفی غفاری
عضو هیات علمی دانشگاه امام صادق(ع)

در بازار داغ پیشنهادهایی که بدرقه راه دولت چهاردهم می‌شود، از من هم خواسته شده چند خطی برای نهمین رئیس جمهور بنویسم. بغرنجی برخی مسائل از یک طرف و دغدغه‌مندی‌ام از طرف دیگر موجب می‌شود این دعوت را که در واقع به احترام پیوند نهاد دولت با نهاد علم به این عضو کوچک جامعه علمی کشور رسیده، بی‌جواب نگذارم.

۱ جامعه ایرانی زخم‌هایی دارد و شما پزشک هستید. واقعیت این است که ساختار جامعه به عنوان یک موجود زنده، هزاران بار پویاتر و پیچیده‌تر از بدن انسان است؛ اما شما و همکاران‌تان می‌توانید متعهد باشید که به این زخم‌ها نمک نپاشید، بلکه تا جای ممکن مرهم این زخم‌ها باشید.

۲ یکی از مهم‌ترین زخم‌های جامعه ایرانی دوقطبی‌های حاد و کاذب است که بسیاری از آنها به نام مفاهیم مقدسی مثل دین، انقلاب، میهن، علم، آزادی، عدالت و... ساخته و پرداخته می‌شود. شما و همکاران‌تان متعهد شوید که ضمن حق‌گرایی و انصاف‌جویی، به آتش این دوقطبی‌ها به هیچ شکلی ندمید.

۳ بسیاری از زخم‌های جامعه ایرانی در گذر زمان از جانب زبان تلخ و گزنده حکمرانان وارد شده است. با مشورت کارشناسان و دلسوزان مراقبت کنید که ادبیات دولت چهاردهم از این زبان طردکننده و مخالف‌انگیز فاصله بگیرد و آن را بازتولید نکند.

۴ جامعه‌شناسی با همه وسعت و عمق مناقشه‌هایش، کم‌وبیش متخصصانی دارد. شما و همکاران‌تان متعهد باشید که در این زمینه نیز به متخصصان امر مراجعه کنید. شاید هرچه جامعه‌شناسان می‌گویند، الزاما نه درست و نه شدنی باشد اما میان همه اختلاف‌های آنها در شناخت جامعه، اشتراک نظرهای مهمی هم هست که خوب است با آنها آشنا شوید و به آنها وفادار بمانید.

۵ هرگز گمان نکنید جامعه مثل یک موم در دستان شماست که می‌توانید آن را به هر شکل دلخواه‌تان درآورید. هم‌وزن برنامه‌های سنجیده برای دگرگونی جامعه، به فکر سازگاری‌های شایسته با آنچه در جامعه هست نیز باشید. به نام جامعه‌سازی در دام جامعه‌ستیزی نیفتید.

۶ همچنان که از سودای سکولار عرفی شدن پرهیز می‌کنید، از سودای متحجرانه عرف‌ستیزی هم فاصله بگیرید و به جایش دنبال استفاده از فرصت‌ها و امکان‌های عرف‌سازی که در اختیار دولت است باشید. منازعه جاری بر سر حجاب چه بسا از همین طریق قابل تبدیل به مفاهمه باشد.

۷ به پویایی‌های جامعه ایرانی و کنشگران و نهادهایش اعتماد کنید. مثلا خانواده یکی از بالاترین و بهترین وضعیت‌ها را از نظر سرمایه اجتماعی دارد. اولا از مداخله مستقیم دولت در حریم خانواده جلوگیری کنید، ثانیا برای پیشبرد سیاست‌های اجتماعی، خانواده‌محور باشید و روی خانواده حساب کنید.

۸ برای جامعه ایرانی کرامت قائل باشید؛ از جمله میل شدید این جامعه به پذیرش تکثر جهان‌های اجتماعی در دل خودش تا گرایش به اتصال با جهان‌ها و جامعه‌های دیگر بیرون از مرزهای جغرافیایی ایران. اجازه ندهید بهانه صیانت از صورت انقلاب، فرصت صدور سیرت انقلابی را از این جامعه را بگیرد.

۹ ایرانیان خارج از کشور را امتداد جمعیتی جامعه ایرانی فراتر از مرزهای خودش، یک فرصت به نام «استان سی‌ودوم ایران»، بدانید و روی هم‌افزایی این جماعت به هم پیوسته سرمایه‌گذاری کنید. علم و تجربه و تدبیر ما مثل دل‌هایمان که برای هم و برای ایران‌مان می‌تپد، می‌تواند با هم پیوند برقرار کند.

۱۰ همه تلاش شما و همکاران‌تان در مجموعه دولت و ریاست جمهوری می‌تواند این باشد که ایران را زیستنی‌تر از هر زمان کنید. شاخص‌هایی مثل افزایش مهاجرت و کاهش مشارکت را از این جهت جدی بگیرید و بدون فرافکنی مسئولیت خود در این زمینه پاسخگو باشید.

۱۱ دین بزرگ‌ترین سرمایه جامعه ایرانی است، هم برای معناسازی هم برای انسجام‌بخشی؛ اما ضمن آنکه آن را در مرکز مدارهای تحول جامعه نگه می‌دارید، تلاش کنید انحصارگرایی و تقلیل‌گرایی به نام دین را مهار کنید. روی تعهدات دینی حتی مخالفان سیاسی خودتان برای ساختن جامعه‌ای شایسته به عنوان جامعه دینی حساب کنید اما هرگز با مطلق انگاران و تحجرزدگان ائتلاف نکنید؛ چون موجب بدنامی دین و ناکامی دولت خواهد شد.

۱۲ عامل زمان را فراموش نکنید. جامعه برای برآمدن انتظاراتش از شما زمانی معقول در نظر می‌گیرد اما تا ابد با شما همدل و همراه نخواهد ماند. قدر فرصت‌های طلایی برای تحول و جلب رضایتمندی مردم را بدانید و بدانید اگر جامعه تلاش برای تحقق خیر جمعی را در کارنامه دولت‌تان نبینند، از شما عبور کرده و یا سرخورده و بی‌تفاوت خواهد شد یا سراغ گزینه‌های دیگر خواهد رفت.

دولت چهاردهم در دام گروگان‌گیری‌های سیاسی نیفتد

سیدحسین شهرستانی
جامعه‌شناس

انتظار می‌رود دولت چهاردهم برخلاف دولت‌های اصلاحات و کارگزاران که با حاشیه‌های سیاسی چه در حوزه سیاست داخلی و چه در حوزه سیاست خارجی، وقت اداره دولت را می‌گرفتند و تلف می‌کردند، پیش نرود. در حوزه سیاست داخلی مساله اصلی کشور، مساله فرهنگی یا آزادی‌های فرهنگی نیست. دولت پزشکیان اما فرصت مناسبی است برای اینکه تنگ‌نظری‌های بی‌قاعده، بی‌سرانجام و بی‌فایده‌ای که در حوزه فیلترینگ و حجاب به وجود آمده، تا حد مطلوبی تعدیل شود اما نباید این حوزه به قلمرو کشاکش‌های سیاسی دوطرف، به بحران کشاندن کشور، به گروگان گرفتن مطالبات فرهنگی طبقه متوسط جامعه تبدیل شود. دولت نباید کارشکنی کند، از نظام عبور کند، دوگانه‌سازی کند یا حاکمیت دوگانه را طرح کند، بلکه باید بتواند در تعامل با نهادهای حاکمیتی تا حد ممکن فضای عمومی کشور را مطلوب‌تر کند. اما مساله اول سیاست داخلی کشور، عدالت و تولید است. توزیع عادلانه و بازسازی و احیای چرخه تولید در کشور، وظیفه اول و اصلی سیاست داخلی است. در سیاست خارجی نیز دولت چهاردهم نباید مسیر دولت‌های پیشین، مثل دولت روحانی را پیش رود که تمام مسائل کشور را به توافقات، برجام و اف‌ای‌تی‌اف و اینها ملزم کرده بود. در این تجربه، فرصت کشور سوخت و دیگر حنای برجام و توافقات سیاسی بین مردم رنگی ندارد. سبد رای پزشکیان هم ربط چندانی به تحرکات عجیب‌وغریب ظریف در این انتخابات نداشت. نباید تصور شود ایشان وامدار محمدجواد ظریف است. پزشکیان به خاطر ویژگی‌های شخصیتی خودش رای آورد. مساله این است منفورترین دولت پس از انقلاب، دولت روحانی است که پروژه‌ای به نام برجام داشته که چهره اصلی آن هم ظریف بوده است. بنابراین، هیچ محبوبیتی از جانب ظریف و دولت روحانی وجود ندارد و اگر همین الان نظرسنجی شود، این امر مشخص خواهد شد. مردم می‌دانند با چشم‌انداز روی کار آمدن ترامپ در آمریکا و یا حتی کاملا هریس، تفاوتی برای ایران رخ نخواهد داد. در دوره اوباما دیدیم دموکرات‌ها چه بلایی بر سر ما آوردند و چه بازی با ما کردند. در دوره آقای رئیسی دیدیم که توانستیم تحریم‌ها را دور بزنیم و از پس ملزومات کشور بربیاییم و نفت بفروشیم. یک سری از شعارها، گروگان‌های سیاسی سابقه‌دار هستند. در دوره خاتمی، مسائل سیاست داخلی و فرهنگ گروگان بود و در دوره آقای روحانی، مساله سیاست خارجی و برجام گروگان بخشی از قشر غربگرای ایرانی بود. به جای اینکه مطالبات برآورده شود به اهرمی برای فشار به حاکمیت تبدیل شد.

این کاری است که در این دولت نباید انجام شود و البته به روحیات آقای پزشکیان هم نمی‌خورد. امیدواریم ایشان هم با همان روحیه وفاق‌اندیش، بتواند یک دولت معقول و فراگیر در داخل شکل دهد که مساله تولید و عدالت را در داخل کشور پیگیری کند و در عین حال به تقویت و تحکیم سرمایه اجتماعی نظام کمک کند.

توفیق دولت چهاردهم منوط به استفاده از انباشت تجربیات دولت‌های قبلی است

میثم مهدیار
جامعه‌شناس

ازجمله مهم‌ترین اتفاقاتی که باید در انتقال دولت باید رخ دهد، انتقال تجربیات مدیریتی است. درواقع یکی از مهم‌ترین مسائل ما گسست تجربیات مدیریتی است. معمولا بعد از رقابت‌های انتخاباتی، به‌خصوص رقابت‌های داغ، مدیرانی که بر سر کار می‌آیند، تصور می‌کنند مدیران قبلی علم و عقل کافی نداشته‌اند یا روندها و روال‌های قبلی اصلا عقلانی یا موثر نبوده‌اند و آنها قرار است دوباره از نقطه صفر به طراحی و پیشبرد مسائل اقدام کنند. این فاصله گرفتن از تجربیات قبلی که می‌شود آن را «گسست» یا «انقطاع» تجربیات مدیریتی نام‌گذاری کرد، باعث بار شدن هزینه‌های زیادی به کشور می‌شود. باید در نظر داشت پیشرفت دفعتا اتفاق نمی‌افتد، بلکه گام به گام است. هر وقت بخواهیم گامی را به پیش برداریم، باید جایی که پا می‌گذاریم، اصطلاحا جای پای محکمی باشد تا بتوانیم گام بعدی را برداریم. من اسم این جای پای محکم را «ته‌نشین» شده و انباشت تجربیات مدیریتی می‌گذارم و معتقدم وقتی می‌توانیم رو به جلو حرکت کنیم که تجربیات قبلی‌مان را انباشت کرده باشیم. البته این تجربیات هم می‌تواند شامل تجربیات مثبت و سازنده باشد یا حتی می‌تواند تجربیات منفی و شکست خورده را هم شامل شود. در هر دو صورت ما باید تجربیات را انباشته کنیم تا بتوانیم یک قدم به جلو برویم و اشتباهات گذشته را تکرار نکنیم و بدانیم هیچ‌کس عقل کل نیست. از این نظر پیشرفت در کشور پدیده‌ای انباشتی است. ما می‌توانیم با استفاده از انباشت تجربیات قبلی، یک قدم به جلو حرکت کنیم، برای مثال می‌توانم دستگاه‌ها، ارگان‌ها و برنامه‌های بسیاری را ذکر کنم که وقتی مدیران جدید و نیروهای جدید روی کار آمدند، تصور کرده‌اند فقط آنها می‌فهمند و همه تجربیات قبلی را کنار گذاشته‌اند و طراحی‌های جدیدی را شروع کرده‌اند. به این خاطر که طراحی‌های جدید از صفر شروع شده و آن تجربه قبلی را مدنظر قرار ندادند، باعث شد هزینه‌های صحیح و خطای مجدد به کشور بار شود. درصورتی که اگر تجربیات قبلی مطالعه می‌شد، صورت‌بندی می‌شد، علل شکست و توفیق سیاست‌ها فهم می‌شد، طراحی‌های بهتری انجام می‌شد و لازم نبود دوباره اشتباهات قبلی را تکرار کنیم. انباشت تجربیات قبلی یکی از مهم‌ترین راهبردهایی است که رئیس جمهور منتخب باید پیش بگیرد و به ارگان‌ها و وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های مختلف دستور دهد که با مدیران قبلی این دستگاه‌ها ـ نه فقط مدیرانی که در دولت سه‌ساله آقای رئیسی بودند ـ بلکه حتی افرادی که در دولت‌های قبلی، حضور داشتند، مهم‌ترین اتفاقاتی را که افتاده جمع‌بندی کنند، درکنار هم قرار دهند و از دل آن مهم‌ترین موضوعات و ماموریت‌هایی را که دارند انتخاب و برای آن برنامه‌ریزی کنند و از تجربیات مثبت و منفی قبلی برای طراحی‌های جدید استفاده کنند. البته قابل فهم است در انتخابات‌هایی که شکل دوقطبی پیدا می‌کنند، انباشت تجربه مقداری سخت است. وقتی انتخابات دوقطبی می‌شود، کسانی که می‌خواهند رای بیاورند، فاصله‌گذاری از وضعیت موجود و نگاه انتقادی به آن دارند و می‌خواهند خود را متفاوت نشان دهند. اما عقلانیت حکم می‌کند که فضای انتخاباتی در خود انتخابات باقی بماند و در روندها و روال‌های مدیریتی تداوم پیدا نکند. باید تجربیات انباشت شوند تا موفقیت حاصل شود. پیشرفت یک روند انباشتی است، جهش‌وار نیست. شما هیچ زمان نمی‌توانید در پیشرفت جهش کنید، بلکه باید گام به گام بر تجربیات قبلی‌تان سوار شوید و مسیر حرکت رو به جلو را پیش بروید. بر همین اساس، اگر بنده جای رئیس جمهور بودم، دستور می‌دادم همه مدیرانی که انتخاب می‌شوند یک ماه اول فعالیت خود را برای گفت‌وگو و مصاحبه با مدیران قبلی بگذارند و برای استخراج ماموریت‌هایی که باید انجام می‌شده ولی نشده، دلایل انجام نشدن آن را نیز پیدا کنند.

ضرورت بازاندیشی در گفتمان حول محور مفهوم عدالت آبی

محمدنبی جلالی
پژوهشگر دکتری منابع آب دانشگاه تهران

طی سال‌های اخیر در کنار هیدروپلیتیک و دیپلماسی آب، یک پارادایم جدید در سطح جهانی مطرح بوده که انتظار می‌رود رفته‌رفته تبدیل به گفتمان شده و به‌تدریج وارد زبان توده مردم شود و آن عدالت آبی است. با توجه به اینکه دولت چهاردهم عدالت را دال مرکزی گفتمان خود حداقل در سطح متن مدنظر قرار داده و امید است این discourse در سطوح ابتدایی باقی نماند و یک رابطه دیالکتیکی میان گفتمان و حکومتمندی به وجود بیاید و کابینه جدید بتواند واقعیت‌های این جهان در هم تنیده در حال گذار را درک کند و از طریق مفصل‌بندی (Artculation) مفهوم عدالت آبی را بازاندیشی کند.

فهم عدالت آبی نیازمند یک درک خلاقانه از پیوند مسائل هیدرولوژیکی با عوامل اثرگذار اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، هیدروپلیتیکی و... است و باید توجه داشته باشیم وقتی درباره دسترسی عادلانه به منابع آب صحبت می‌شود باید اقتصاد سیاسی شامل همه ارزش‌های تولیدی توسط آب، تمامی ذی‌نفعان آب، بازیگران عرصه تصمیم‌گیری که در تعیین قوانین آبی تاثیرگذارند و پیشران‌های مختلف اعم از اقتصادی، اجتماعی، هیدروپلیتیکی و... را هم در نظر بگیریم. تحقق عدالت آبی مستلزم بسترهایی بوده و بستر ابتدایی شفافیت ماقبل عدالت است، یعنی باید مشخص کنیم که چه چیزی را با چه ارزشی در اختیار داریم و حال بگوییم آن را چگونه به صورت عادلانه تصمیم داریم توزیع کنیم و حتی باید بدانیم ارزش هر منطقه از حیث عدالت آبی چگونه است. مورد دوم باید بدانیم عدالت در بستر یک حکمرانی چندسطحی معنا پیدا می‌کند، یعنی به غیر از نگاه ملی و منطقه‌ای و جهانی، سطح محلی هم بسیار مهم است زیرا ابتدا به ساکن باید بدانیم آب ذاتا مساله‌ای محلی است و نمی‌شود صرفا با نگاه کلان به مساله عدالت نگریست، زیرا آن وقت مفهومی مبهم و غیرقابل لمس می‌شود. مورد سوم جلوگیری از سیاست‌های توسعه‌ای ناکارآمد است که توسعه را حول محور آب قرار داده و سبب بسیاری از بحران‌های کنونی است و نظام اجتماعی ما را طی دهه‌ها از بین برده و سبب تعارضات و مناقشات اجتماعی متعددی شده است. همچنین موارد دیگری نیز همچون درک پیوند عدالت آبی با عدالت انرژی و منابع طبیعی جزء ملزومات عدالت آبی است. به طور عینی‌تر مثلا مقامات دولتی اخیرا تاکید دارند سند جامع آب، به توزیع عادلانه آب منجر خواهد شد؟ درصورتی که در این اسناد و قوانین که برگرفته از نظام حکمرانی مکاتب غربی است، جوامع محلی همچون قبل به صورت سطحی دیده شده‌اند و آب هم صرفا کالای اقتصادی دیده شده و از همین رو اینکه ما طرح‌هایی را که قبلا تصویب کردیم و با ماهیت ذاتی آب در تضاد است اسمش را بگذاریم مدیریت عادلانه توزیع و مصرف آب یا اینکه این اسناد آب را کمافی‌السابق ملی می‌بینند، این عدالت آبی نیست. مگر نفت قبلا ملی نشده بود؟ ولیکن کافی است وضعیت محرومیت و فقر استان‌های نفت‌خیز کشور را بررسی کنیم تا به عمق ماجرا پی ببریم یا اینکه به طور نمونه در این اسناد تاکید بر این است که آب را به صورت طرح‌های انتقال آب بین حوضه‌ای منتقل کنیم، درصورتی که انتقال آب بین حوضه‌ای، اصولا انتقالی مغایر با توسعه پایدار است و از قضا یک جابه‌جایی در حقوق افراد آن منطقه خاص است که تاثیر منفی بر عدالت آبی می‌گذارد. به طور کلی می‌شود گفت پرمصرفی آبی با اقتصاد سیاسی رانتی سبب شده ما کیلومترها از عدالت آبی دور انداخته شویم؛ و مادامی که محرک‌های توسعه کنونی ما با رویکرد آمایش سرزمین سنخیتی نداشته باشد عدالت آبی- زیست محیطی- فرانسلی رخ نخواهد داد و این مهم در حد یک شعار باقی خواهد ماند.

به عبارتی اگر مورد توافق همگی باشد که عدالت آبی با حکمرانی مطلوب آب آمیخته است و حکمرانی مطلوب یعنی هدایت سیاست‌ها به سمت مردم‌محوری که بازیگران خصوصی و جامعه مدنی را هم در سیاستگذاری عمومی می‌بایست دخیل کند، خب طی دهه‌ها ما دیده‌ایم بهره‌برداران محلی از مدیریت رودخانه کنار زده شدند و تسلط کامل مدیریت دولتی بر آن، پایداری این منبع رو با چالش جدی مواجه کرده است، بنابراین برای اعمال حکمرانی کارآمد بر منابع مشترک بدون توجه به نقش ذی‌نفعان و بهره‌برداران محلی در مدیریت منابع آب و دخیل کردن حکمران محلی به نظر دستیابی به حکمرانی مطلوب سرابی بیش نیست، منظور هم این نیست دولت وجه نظارتی خودش را حفظ نکند ولیکن منظور این هم نیست که از ظرفیت بهره‌بردار محلی صرفا در انسداد چند چاه غیرمجاز استفاده شود، بلکه منظور درگیر کردن حکمران محلی در سطوح مختلف حکمرانی به منظور کنترل بحران است. در هر حال بیش از چند دهه است که ما با پشت پا زدن به توسعه پایدار عملا به بی‌عدالتی سیستماتیک دامن زدیم و می‌بایست بپذیریم عدالت آبی که همراه با اصول توسعه پایدار است را وقتی نمی‌توانید داشته باشید پس اقتصاد سالم، جامعه سالم و حتی محیط زیست سالم را هم نخواهیم داشت.

درمجموع با توجه به اینکه ما با انبوهی از مسائل حل نشده در بخش آب روبه‌رو هستیم که به درجه‌ای از در هم تنیدگی رسیده است که دیگر حقیقتا نگرش سنتی مبتنی بر اقدامات مهندسی جواب‌گوی آنها نخواهد بود، بنابراین ضروری است مسیر گذشته سازه‌محور را به سمت نیل به یک گذار عادلانه احیاکننده حکمرانی مبتنی بر دانش بومی کشورمان جهت دهیم و بپذیریم خواه و ناخواه هویت مناطق مختلف کشورمان با هویت‌هایی که آب محور مناقشات‌شان است، عجین شده. لذا به ارزش‌هایی که درخصوص تخصیص آب در نظر گرفته می‌شود باید از منظرهای مختلف نگاه کرد و عدالت اقتصادی، عدالت اجتماعی، عدالت محیط زیستی و مهم‌تر عدالت بین‌نسلی را هم در نظر گرفت. آن وقت مشاهده خواهیم کرد تامین حقابه طبیعت بر اولویت‌های دیگر حتی مقدم می‌شود، این برای مسائل فرامرزی هم صدق می‌کند و کشورهای همسایه باید برای رفاه و عدالت بین مردمان دو مرز به این مهم توجه کنند. درنهایت با توجه به درک چیستی و ارزش ذاتی آب توصیه می‌شود در دولت پیش‌رو یکی از اهم‌ها می‌بایست بازاندیشی در گفتمان حول محور عدالت آبی و عبور از کج فکری‌ها و کژروی‌ها در حیطه حکمرانی و دستیابی به یک الگوی اصلاح شده حکمرانی آب مبتنی بر دانش بومی در سطح ملی و منطقه‌ای باشد.

هزار توی انتخاب وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی

سیدامین صانعی‌مهری
کارشناس رسانه‌ای حوزه میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی

پس از انتخابات ریاست جمهوری، نخستین حرکت رئیس دولت چهاردهم انتصاب رئیس شورای راهبردی و ذیل آن تشکیل کمیته‌های مختلف ازجمله کمیته تعیین وزیر بود؛ کمیته‌ای که از آغاز به کار با حواشی گوناگونی ازجمله استعفای ۱۲ نفر از اعضای آن به قصد کاندیداتوری برای وزارت مواجه بود. کمیته‌ای که در حوزه انتخاب وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، جای خالی نمایندگانی از مرمت‌گران، موزه‌داران و باستان‌شناسان و از همه مهم‌تر خبرنگاران- که چشمان بینای این حوزه بوده‌اند و زیر و بم و لایه‌های درونی و بیرونی را بهتر از خیلی از مدیران می‌شناسند- در آن احساس می‌شد. با بررسی اجمالی کمیته انتخاب به دور از خط و مشی سیاسی می‌توان متوجه شد اکثریت اعضا در یک بازه زمانی از مدیران سازمان یا وزارتخانه میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی بوده و حتی برخی از آنان رفاقت و آشنایی دیرینه‌ای باهم دارند. بخش خصوصی نیز در اقلیت این گروه قرار دارد و همین موضوع اعتراض بسیاری از کارشناسان و متخصصان حوزه را در پی داشته است که بسیاری از موارد انتقاد و اعتراض در قالب یادداشت‌هایی در رسانه‌ها منعکس شد. همچنین خبرنگاران دلسوز حوزه هم در بیانه‌ای نسبت به این مهم واکنش نشان دادند.

اما جایگاه واقعی این کمیته چیست؟ در مصاحبه‌ای که بهمن نامور مطلق، رئیس کمیته انتخاب وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی با مهر انجام داد، نکته قابل تاملی را مطرح کرد که گویا جایگاه این کمیته مشورتی است. نامور مطلق در این مصاحبه اعلام کرد از پس بررسی نهایی ۱۵ نفر برتر، اسامی ۵ نفری که بالاترین امتیاز را کسب کرده‌اند به صورت محرمانه به شورای راهبردی ارسال خواهد شد، لیکن درنهایت رئیس جمهور محترم و تیمش تصمیم‌گیری می‌کنند و ممکن است حتی هیچ‌کدام از افراد مسئولیت نگیرند.

قراردادن مصاحبه نامور مطلق در کنار توییت مسعود پزشکیان رئیس دولت چهاردهم مسیر را شفاف‌تر می‌کند که عنوان کرد: «در شورایی که برای انتخاب اعضای دولت تشکیل شده است شاخص‌هایی تعیین شده و قرار است هر کسی وزن بیشتری دارد بالا بیاید. بنده به تمام افراد از جمله آقای قالیباف، رضایی و حتی جلیلی هم گفته‌ام پیشنهادهایتان را معرفی کنید. البته درنهایت همه باید در قالب یک تیم با هم کار کنیم. بنابراین هماهنگی درون دولت از یک طرف و بین دولت و سایر ارکان حکومت از طرف دیگر باید مورد انتخاب قرار گیرد.» این توییت تقریبا مشخص می‌کند صرفا لیست کمیته کارشناسی در حد پیشنهاد است گرچه برخی از چهره‌های قرار گرفته در لیست قابل تامل هستند و سوابق خوبی دارند اما چندین لیست دیگر در هزار توی انتخاب وزیر است و درنهایت جدای از موضوعات کارشناسی، همچنین لابی‌های سیاسی، قدرت و موارد دیگر در فرآیند پیچیده انتخاب وزیر دخیل خواهند بود.

سخنی با رئیس محترم دولت چهاردهم

آقای رئیس جمهور! آیا بهتر نبود در فرآیند انتخاب وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی چند جلسه با فعالان هر حوزه برگزار می‌شد تا از نزدیک با دغدغه‌های فعلان حوزه میراث فرهنگی از جمله پژوهشگران، موزه‌داران، باستان‌شناسان و سرمایه‌گذاران بناهای تاریخی آشنا می‌شدید؟ همچنین در دیدار با فعالان بخش گردشگری قوانین حمایتی مورد نیاز این حوزه که بسیار متاثر از تحولات داخلی، خارجی و تحریم است را بررسی می‌کردید و درنهایت نشستی با فعالان صنایع دستی که هنر ایران زمین را زنده نگه داشته و نیازمند حمایت برای تامین مواد اولیه و قوانین حمایتی برای صادرات هستند برگزار می‌کردید تا بتوانید بهتر در انتخاب وزیر آتی تصمیم بگیرید؟

امروز بسیار از کشورهای دنیا به دور از اقتصاد نفتی و صرفا با اقتصاد گردشگری بخش اعظمی از بودجه خود را تامین می‌کنند. از لحاظ تعداد گردشگران ورودی، فرانسه در سال ۲۰۲۳ با ۱۰۰ میلیون گردشگر بین‌المللی جایگاه خود را به عنوان پربازدیدترین مقصد جهان تثبیت کرد. اسپانیا با ۸۵ میلیون نفر، دوم شد و پس از آن ایالات متحده (۶۶ میلیون)، ایتالیا (۵۷ میلیون) و ترکیه با ۵۵ میلیون گردشگر بین‌المللی در رده پنجم قرار گرفتند.

از لحاظ درآمدهای بین‌المللی گردشگری، ایالات متحده با درآمد ۱۷۶ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۳ در صدر و پس از آن اسپانیا (۹۲ میلیارد دلار)، بریتانیا (۷۴ میلیارد دلار)، فرانسه (۶۹ میلیارد دلار) و ایتالیا (۵۶ میلیارد دلار) قرار دارند. براساس آمار رسمی سازمان ملل، در سال ۲۰۲۳ حدود ۶ میلیون گردشگر خارجی به ایران وارد شدند که منتج به صعود ۶ پله‌ای ایران در رده‌بندی جهانی از این نظر شد. درآمد حاصل از گردشگری نیز در این سال برابر با ۱۱ میلیارد دلار بوده است. همه این آمار و ارقام حاکی از اهمیت این حوزه است.

اما در آخر همانند بسیاری دیگر از دغدغه‌مندان، تاکید می‌شود تنها راه توسعه اقتصاد گردشگری و حفاظت از میراث فرهنگی و تاریخ این مرز و بوم در گرو انتخاب مدیری مدبر، تصمیم‌ساز در دولت و آماده برای استفاده از فرصت گسترش تعاملات در دولت چهاردهم برای ارتقای این وزارت نوپا است. امید است در فرصت اندک پیش‌رو در راستای تحقق شعار برای ایران نه برای احزاب و سیاسیون، گزینه‌ای شایسته را برای تصدی این پست معرفی کنید.

یکشنبه ۷ مرداد ۱۴۰۳
شماره ۴۱۹۳
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE